

نقش عنصر «محبت» در نظام تعالی‌بخشی فردی - جمعی از منظر شهید سلیمانی

حامد کیانی مجاهد^۱

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به بررسی نقش عنصر «محبت» در نظام تعالی‌بخشی فردی - جمعی از منظر شهید سلیمانی می‌پردازد و تبیین می‌کند که چگونه این عنصر در سطوح فردی، تشکیلاتی و اجتماعی، نقش کنشگری مولد و سازنده ایفا نموده است.

روش‌شناسی پژوهش: این مطالعه با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده و عناصر محبت را در ابعاد فردی، تشکیلاتی و اجتماعی ردیابی کرده است.

یافته‌ها: محبت به‌عنوان عنصری کلیدی، در چهار سطح نقش‌آفرینی می‌کند: (۱) انگیزاننده و محرک رشد فردی؛ (۲) دوستی‌های عمیق به‌مثابه ارتقاءدهنده معنوی و اشتیاق‌دهنده به کمال؛ (۳) محبت طرفینی در مدیریت جمعی؛ و (۴) محبت اصولی و جامع‌نگر به‌عنوان همگراکننده اجتماعی.

نتیجه‌گیری: عنصر «محبت» در منظومه فکری و عملی شهید سلیمانی، مولد نظام تعالی‌بخش در ساحت‌های فردی، تشکیلاتی و اجتماعی است و با پیوند ایمان و رشد معنوی، الگویی از انسان و جامعه همدل و کارآمد می‌سازد. این عنصر، محور همگرایی و مدیریت محبت‌محور بوده و ظرفیت تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها را دارد. در افق کلان، کاربست محبت دارای اصول، راهی برای جامعه‌ای مؤمن و پیش‌رونده است و پژوهش بر نهادهای سازشی این الگو در نظام‌های تربیتی و فرهنگی و ساختار حکمرانی تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: شهید سلیمانی، مکتب سلیمانی، محبت، همگرایی، اثرگذاری.

مقدمه

رهبری معظم انقلاب، شهید حاج قاسم سلیمانی را مکتبی معرفی کردند که می‌تواند برای همگان به‌مثابه راه و مدرسه باشد (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۲۰۲۰/۰۱/۱۷)؛ به‌نحوی که با مراجعه و نگاه درست به آن، می‌توان درس‌آموزی کرد. به این مکتب می‌بایست از زوایای گوناگون نگریست و مؤلفه‌ها و عناصر مختلف دخیل در آن را که موجبات توفیقات شگرف مادی و معنوی شهید سلیمانی را فراهم آورده است، مورد بازشناسی قرار داد. یکی از مهم‌ترین و مبنایی‌ترین این عناصر، عنصر «محبت» است که نقش آن را می‌توان در بسیاری از دستاوردهای فردی و تشکیلاتی ایشان در گستره امتی و ملتی رهگیری کرد. امام خامنه‌ای در وصف نوع‌دوستی حاج قاسم چنین می‌گویند: «[او] تبلور ارزش‌های فرهنگی ایرانی و ایران بود... روحیه‌ی فداکاری و نوع‌دوستی داشت، یعنی برایش این ملت و آن ملت و مانند این‌ها [مطرح] نبود؛ نوع‌دوست بود، واقعاً حالت فداکاری برای همه داشت...» (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی - ۲۰۲۰/۱۲/۱۶). این نوع‌دوستی و محبت، اثرات و کارکردهای مختلف چند سطحی را پدید آورده بود، که خود شایسته مذاقه علمی و توجه نظری است. با عنایت به این مسأله، پژوهش حاضر در پی آن است که نقش عنصر «محبت» در نظام تعالی‌بخشی فردی - جمعی از منظر شهید سلیمانی را مورد بررسی قرار داده و به تبیین این مسأله بپردازد که عنصر «محبت» چگونه توانسته در سطوح انسان‌سازی، تشکیلات‌سازی و اجتماع‌سازی در افق نظر و عمل شهید سلیمانی ایفای نقش و کنشگری سازنده نماید. روشی که این تحقیق از آن بهره می‌گیرد، روش تحلیل محتواست و فرآیند تحلیل داده‌ای بر سنگ‌بنای گزاره‌های به دست آمده از مجموع بیانات و مکتوبات منتشر شده شهید سلیمانی استوار گردیده است. در مسیر پاسخگویی به دغدغه مقاله، پژوهش پس از مفهوم‌شناسی «محبت» و اثرسنجی آن، و پیشینه‌سنجی پژوهش، به تبیین چارچوب نظری خواهد پرداخت و در گام بعد، گزاره‌های منتخب را استخراج کرده و از رهگذر تحلیل محتوا، مضامین، مفاهیم و مقولات پژوهش را به دست آورده و در نهایت، خروجی‌های پژوهش را به کمک ظرفیت‌های طرح‌واره‌های ترسیمی ارائه می‌کند.

درآمدی بر مفهوم «محبت» و اثر آن

در مقام تعریف، ریشه لغوی «ح ب ب»، از حب با کسر و همین‌طور فتحه «حاء» به معنای دانه خوراکی گرفته شده است که در زمین کاشته می‌شود و رشد میکند. به آنچه در قلب آدمی جریان دارد از خوبی‌ها و بدی‌ها «حبه» گفته می‌شود؛ زیرا همچون دانه در قلب کاشته و رشد پیدا می‌کند و سبب رشد در جهت مثبت یا منفی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۲۸۹). راغب اصفهانی، «محبت» را خواستن و تمایل به چیزی که می‌بینی و آن را خیر می‌پنداری دانسته و برای آن سه وجه قائل شده است: دوستی و محبتی که با هدف خرسند شدن و لذت‌بردن است مثل محبت مرد نسبت به زن؛ محبتی که بر اساس بهره‌مندی معنوی است، مثل چیزهای سودمند و محبتی که برای فضیلت و بزرگی بذل می‌شود، مانند محبت دانشمندان

و دانش پژوهان برای علم نسبت به یکدیگر (راغب اصفهانی، ۱۹۹۶: ۴۴). در کتاب «معراج السعاده» نیز ملا احمد نراقی، «میل و رغبت طبع به چیزی که دریافتن آن سبب لذت و راحت می شود» را معنای محبت دانسته، و محبت و کراهت - که ضد آن است - را در کنار معرفت و ادراک معنادار برشمرده و این نکته را متذکر شده که بدون معرفت، نمی توان محبت و کراهت نسبت به چیزی را تصور کرد (نراقی، ۲۰۰۸: ۶۰۴). فصل ممیز جهان انسان از جهان حیوانات، عشق انسانی و معنوی است که باعث می شود انسان به خوبی ها و فضائل عشق بورزد و به سجایای انسانی تعلق خاطر پیدا کند. در چندین آیه از قرآن کریم (حشر: ۹؛ آل عمران: ۳۱؛ مریم: ۹۶)، از عشق با واژه «محبت» و احیاناً «وُد» یا «مودت» یاد شده است (مطهری، ۱۹۹۰: ۶۳). «محبت در انسان مراتبی دارد؛ اگر همراه با ادراک و شعور و در حد حیات حیوانی باشد، نام «شهوت» می گیرد. این شهوت اگر اندکی هدایت شود به «ارادت» و «محبت» و مانند آن تغییر نام می دهد و اگر کامل تر و رقیق تر شد و به نشئه عقل عملی راه یافت، به صورت «تولی» تجلی می یابد که جزو مهم ترین دستورهای دینی است» (جوادی آملی، ۲۰۰۸، ج ۸: ۲۹۸-۲۹۹).

محبت و عشق اثرات زیادی دارد که از جمله آثار عشق، نیرو و قدرت است. شهید مطهری در توصیف اثرات محبت می نویسد: «محبت، نیروآفرین است. جنان را شجاع می کند. سنگین و تنبل را چالاک و زرنگ می کند. قوای خفته را بیدار و نیروهای بسته را آزاد می کند، نظیر شکافتن اتم ها و آزادشدن نیروهای اتمی» (مطهری، ۱۹۹۰: ۴۷-۴۹). دوستی و محبت باعث می شود که از سویی، شخص محبوب در امور دوستدارش مداخله و در بعضی شئون حیاتی او دخل و تصرف کند تا پاسخگوی علاقه او نسبت به خودش باشد؛ و از سوی دیگر، فرد دوستدار نیز چون متأثر از خواست و سایر شوون روحی محبوب است، اجازه دخالت در امور خود را به محبوبش می دهد، تا به او نزدیک تر شود. در نتیجه به مرور زمان با او امتزاج روحی پیدا می کند، رام او می شود و با او سنخیت پیدا می کند (وجدانی، ۲۰۱۸: ۲۰۸؛ از: طباطبایی، ۱۹۹۵، ج ۳: ۲۳۷؛ همان منبع، ج ۹: ۲۷۵).

پیشینه تحقیق

اگرچه از زمان شهادت شهید سلیمانی در دی ماه ۱۳۹۸، آثار متعددی در مورد سیره و اقدامات این شهید و الا مقام نگاشته شده است، اما همچنان کمبود آثاری که در قالبی روش مند بر تبیین بخش های اثرگذار سیره فردی و تشکیلاتی ایشان متمرکز باشند، احساس می شود. پیشینه سنجی آثار منتشر شده که از نوعی ارتباط موضوعی با عنوان پژوهش برخوردار می باشند، نشان می دهد که این آثار در دو دسته امکان دسته بندی دارند:

۱- آثاری که به بحث درباره الگوی رهبری، مدیریت و فرماندهی شهید سلیمانی می پردازند: در این دسته آثاری جای می گیرند که کوشیده اند به صورت جامع نگر به شیوه رهبری شهید سلیمانی بپردازند و عوامل دخیل و شاخصه های موفقیت این فرماندهی را احصاء کرده و پیرامون آن ها توضیحاتی را ارائه کنند. در این پژوهش ها به مسئله جذابیت، محبت و مودت (به ویژه در روابط تشکیلاتی)، به عنوان یکی از عناصر

قابل طرح در الگوی رهبری شهید سلیمانی اشاره شده اما بر این عنصر تمرکز نگردیده است. به عنوان نمونه آثار موجود در این دسته، می توان از این دو پژوهش نام برد: مقاله «الگوی رهبری شهید قاسم سلیمانی؛ از فرماندهی مقاومت تا شکل گیری مکتب سلیمانی» (سادات هاشمی، ۲۰۲۲) و مقاله «نظام تربیتی مدیریت و فرماندهی در نیروهای مسلح با تاکید بر مکتب شهید سلیمانی» (رشیدی زاده و همکاران، ۲۰۲۲).

۲- آثاری که در عنوان، جزئی تر از دسته قبل اند و به بررسی دلایل نفوذ و اثرگذاری الگوی تعاملی و فرماندهی شهید سلیمانی در ارتباطات میان فردی و تشکیلاتی ایشان پرداخته اند. در این آثار بر تحلیل عناصری تأکید شده که ضریب نفوذ کلام و خواست شهید سلیمانی در قبال مخاطبانشان را افزایش می داده است. این آثار اگرچه در دل خود بحث هایی در مورد نقش مودت در گسترش دامنه نفوذ معنوی شهید سلیمانی در قلوب مخاطبانشان، عرضه کرده اما بر موضوع راهبردی و کارکردی «محبت» تمرکز تحلیلی نداشته اند. نمونه هایی از این پژوهش ها عبارتند از: مقاله «الگوی مطلوب ارتباطات میان فردی در سلسله مراتب فرماندهی: مورد مطالعه شهید حاج قاسم سلیمانی» (بیات و سیدطباطبایی، ۲۰۲۰)، مقاله «شناسایی ابعاد و مؤلفه های نفوذ اجتماعی در سبک رهبری شهید قاسم سلیمانی» (روح اللهی، ۲۰۲۱)، مقاله «فهم جوهره ارتباطات انسانی- الهی در سبک فرماندهی سپهبد شهید قاسم سلیمانی» (نوروزی و همکاران، ۲۰۲۲) و مقاله «ارزیابی عوامل نفوذ الگوی رفتاری و مدیریت جهادی شهید سلیمانی بر مبنای نظریه اُورت راجرز: مطالعه موردی، محور مقاومت در منطقه خاورمیانه» (شفیعی و عابدی، ۲۰۲۱).

چنان که پیشینه سنجی موضوع نشان می دهد، مقاله حاضر از آن روی که در چارچوبی روش مند بر واکاوی نقش عنصر «محبت» در نظام تعالی بخشی فردی- جمعی در نگاه شهید سلیمانی متمرکز است، از متون پیشین متمایز به نظر می رسد؛ موضوعی بدیع، راهبردی و الگوساز که تاکنون پژوهشی روش مند به صورت بایسته بر آن همت نگمارده است.

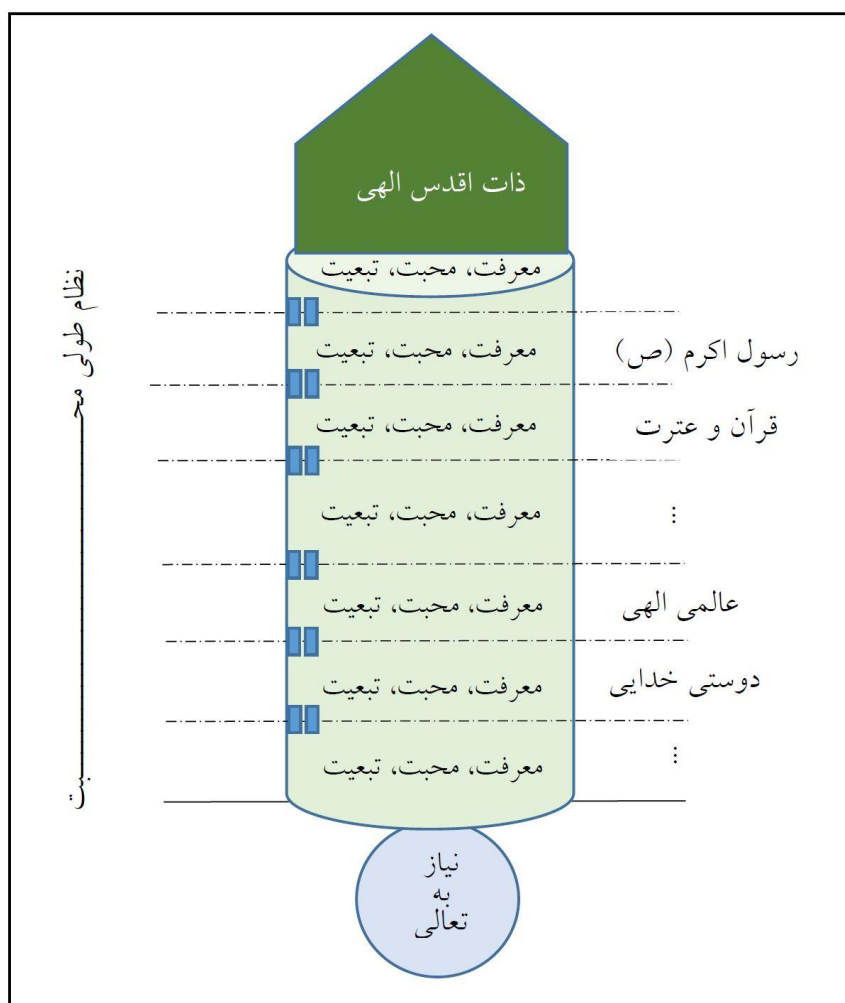
چارچوب نظری: نظام طولی محبت

فرآیند کارکردی و اثربخشی «محبت» را می توان در قالب «نظام طولی محبت» ترسیم و تحلیل نمود و از آن منظر به مسئله کارکردی محبت نگریست. محبت در زمینه ی خود، واسطه ای میان معرفت و اطاعت است؛ از سویی معلول معرفت است و از سوی دیگر، علت اطاعت می باشد. بر همین اساس، «محبت محور تعلیم قرار گرفته و وجود مبارک رسول خدا(ص) که حبیب خداست، معلم و رهنمای مردم شده و اجر رسالت خویش را به دستور خداوند، مودت به عترت طاهرین(ع) دانسته است (شوری/۲۳). مودت به اهل بیت نیز از سویی به معرفت به آنان مستند است، زیرا بی معرفت به آنان پدید نمی آید و از طرفی سند، تکیه گاه و دلیل فرمان برداری از آن هاست» (جوادی آملی، ۲۰۰۸: ۴۲-۴۱). پس در وجه عرضی محبت، ما با سه گانه «معرفت، محبت و تبعیت» روبرو هستیم، که بر مبنای آن، محب، محبوب خود را می شناسد و نسبت به او معرفت پیدا می کند؛ دوست دار او می شود و از وی تبعیت می کند؛ اوامر و نواهی او را به جان می خرد و می کوشد تا خود را به قدر وسع شبیه محبوب خویش گرداند.

در مسیر طولی، محبت اگر در راستای منبع راستین و بی‌نهایت معنویت الهی باشد و جهت و مسیر درستی داشته باشد، محدود به سطح و مرتبه‌ای نیست و دارنده خود را منزل به منزل در نظامی طولی، بالا و بالاتر می‌برد تا آنگاه که در مراتب عالی‌اش در محبت الهی مستغرق می‌شود. طریق حرکت در مسیر محبت عالی در وجود آدمی، پله‌ای و مرحله‌ای است و انسان اگر بخواهد از نردبان محبت عالی صعود نماید، می‌بایست در هر مرحله از زندگانی خویش، دل را در بند محبت فرد یا افرادی ببندد که رنگ‌وبوی الهی دارند و هرچه مرتبت معنوی و صبغه الهی محبوب، بالاتر باشد، و محب در مسیر حب ثابت قدم‌تر باشد، سرعت و عمق محبت معنوی محب فزونی می‌یابد و ظرف وجودی وی، سعه بیشتری پیدا می‌کند و آماده جلب محبت‌های بیشتری در راه خدا می‌شود. اگرچه این نکته نافی امکان و لزوم محبت مستقیم به خدا و رسول(ص) و آل او نمی‌باشد. وسعت یافتن ظرف محبت در وجود آدمی نیازمند تمرین و ممارست در میدان محبت نسبت به محبوب‌های الهی است، که این «محبوب‌ها» خود در یک نظام طولی تعریف می‌شوند. از دوست خدایی، مربی مهذب و رهبری دینی گرفته تا معصومین(ع) و شخص نبی مکرم اسلام(ص) و در نهایت تا ذات اقدس پروردگار، که این‌ها همه «مقاصد حُبِّی» را در نظام طولی محبت شکل می‌دهند، و محب در هر منزل از وادی محبت، با کسب معرفت و اطاعت (منطبق بر دین) از محبوب در آن سطح، خود را آماده دریافت محبت‌های بیشتری در قبال محبوب‌های بالاتر در این نظام طولی که منتها و روحش حب الهیست می‌کند. علامه طباطبایی(ره) در جلد نخست تفسیر المیزان، بحثی را درباره محتوای نظام طولی محبت بیان می‌دارد. به عقیده ایشان وقتی قرآن، مؤمنین را به خاطر محبتشان به خدا مدح و مشرکان را به سبب محبتشان به غیر خدا مذمت می‌کند، [در ساحتی] از جهت اثر این محبت است و به این خاطر است که شدت محبت به خدا، انحصار تبعیت را به همراه می‌آورد. در این میان، اگر کسی بخواهد غیر خدا را دوست بدارد، تنها در یک صورت مجاز است آن هم اینکه آن کس وی را به اطاعت خدا دعوت کند و وی را به خاطر اطاعت خدا در امر و نهی او دوست بدارد. در چنین موردی که به جز اطاعت خدا کاری وجود ندارد، مذمت دوست‌داشتن غیر خدا متوجه محب نمی‌شود. علامه طباطبایی(ره) در ادامه با اشاره به آیه ۲۴ سوره مبارکه توبه، ضمن اشاره به جداگانه بودن دوستی خدا از دوستی رسول اکرم(ص)، این نکته را بیان می‌دارد که این آیه دوستی رسول خدا(ص) را عطف به دوستی خدا می‌داند و چون اثر دوستی پیامبر(ص)، متابعت خداست، خود پروردگار، بشر را به اطاعت از رسول(ص) امر می‌کند. آیات ۶۴ سوره نساء و ۳۱ سوره آل عمران نیز روشن‌گر این معنا هستند. ایشان در این باره می‌نویسند: «به همین مقیاس، متابعت کسی که بشر را بسوی خدا هدایت می‌کند و پیروی او انسان را به خدا راه می‌نماید، مانند عالمی که با علمش و یا آیتی که با دلالتش و یا قرآنی که با تلاوتش، آدمی را بسوی خدا می‌کشاند، اگر محبوب کسی باشند، قطعاً بخاطر محبت به خدا است... حب کسی که حبش خدا و پیرویش پیروی خداست، مانند پیغمبر و آل او علیه السلام و علمای دینی و کتاب خدا و سنت پیغمبر(ص) او و هر چیزی که آدمی را بطور خالصانه به یاد خدا می‌اندازد، نه شرک است، و نه مذموم، بلکه تقرب به حب او و به پیرویش، تقرب به خدا است، و احترام

و تعظیم او به هر صورتی که عرف تعظیمش بشمارد، از مصادیق تقوی و ترس از خداست» (طباطبایی، ۱۹۹۵، ج ۱: ۶۱۴-۶۱۳).

بر مبنای چارچوب ارائه شده، نظام طولی محبت دارای زمینه‌ای مبتنی بر سه گانه «معرفت، محبت و تبعیت» و مسیری طولی است که مذاقه بر این نظام، قابلیت شناخت قالب کلان مسئله را فراروی پژوهش قرار می‌دهد. مدل زیر «نظام طولی محبت» را نشان می‌دهد.



شکل ۱: مدل نظام طولی محبت

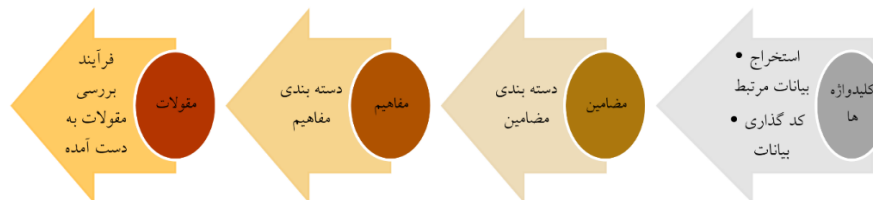
روش پژوهش: روش تحلیل محتوا

در این پژوهش، برای تحلیل داده‌های متنی از روش تحلیل محتوا استفاده شده است تا بتوان به‌طور منظم موضوعات و مفاهیم اصلی را استخراج کرد. این روش امکان بررسی عمیق داده‌ها و تبیین معانی پنهان در آن‌ها را فراهم می‌کند. بنابراین، تحلیل محتوا به عنوان روش اصلی تحلیل داده‌ها انتخاب شده است تا نتایج قابل اتکا به دست آید.

تحلیل محتوا به‌مثابه تکنیکی پژوهشی، شامل شیوه‌های تخصصی در پردازش داده‌های علمی است. هدف تحلیل، مانند همه تکنیک‌های پژوهشی، فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل است (کرپیندورف، ۱۹۹۹: ۲۵). تحلیل محتوا برای پژوهشگران علوم اجتماعی فرصت‌هایی را جهت استفاده منظم از فراگیرترین شکل مدارک مربوط به امور انسانی، یعنی محتوای ارتباطات فراهم می‌آورد. این روش از تکنیک‌های مربوط به روش اسنادی در پژوهش علوم اجتماعی می‌باشد. روش اسنادی به کلیه متدهایی گفته می‌شود که در آن‌ها هدف پژوهش با مطالعه، تحلیل و بررسی اسناد و متون برآورده می‌شود. چنانچه از نام تحلیل محتوا نیز پیداست، این تکنیک به تحلیل و آنالیز محتوا می‌پردازد (خنیفیر و مسلمی، ۲۰۱۹: ۷۹). فکر بنیادی تحلیل محتوا نیز عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن، کلمه‌ها، جمله‌ها، پاراگراف‌ها و مانند آن، بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌کنیم در تعدادی مقوله که از پیش تعیین شده‌اند (باردن، ۱۹۹۶: ۲۹). در این میان، باید توجه داشت که دو شرط عینیت و نظام‌دار بودن، قابلیت تکرار این روش را می‌رساند، به‌گونه‌ای که سایر پژوهشگران نیز بتوانند با استفاده از روش‌های یکسان و اطلاعات مشابه، به نتایج مشابهی برسند (سرمد، ۲۰۰۰: ۳۹۰). این روش پیش از هر چیز درمورد متن‌های مکتوب به کار می‌رود، از این لحاظ تمام گونه‌های سند از قبیل: کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجله‌ها، نطق‌های پارلمانی، موعظه‌های مذهبی، اعلان‌ها، شعارها، جزوه‌های تبلیغاتی و مانند این‌ها را می‌توان تابع این روش کرد (طاهری، ۲۰۰۱: ۱۷۰).

به‌منظور فهم نقش عنصر «محبت» در نظام تعالی‌بخشی فردی-جمعی از منظر شهید سلیمانی، روش تحلیل محتوا انتخاب و با مراجعه به مجموعه سخنرانی‌های منتشرشده از شهید سلیمانی، قطعه‌ای از متن (جمله و پاراگراف) انتخاب شده و پس از تجزیه کامل، مضامین موجود در آن - متناسب با موضوع مدنظر- استخراج و کدگذاری شده است.

در گام بعدی با بهره‌گیری از وجوه مشترک موجود میان مضامین تعدادی از آن‌ها که دارای اشتراک و نزدیکی بیشتری هستند، تحت یک عنوان کلی‌تر دسته‌بندی می‌شوند که به آن‌ها «مفهوم» (Concept) گفته می‌شود. در مرحله بعد و به‌منظور انجام مرحله «مقوله‌بندی» (Categorization) برای رسیدن به اصولی عام‌تر، چند مفهوم که دارای اشتراکات بیشتری هستند، تحت عنوان یک «مقوله» (Categories) جمع شده و یک اصل عام را تشکیل می‌دهند.



شکل ۲: گام‌های عملیاتی تحلیل محتوا

شناسایی گزاره‌های منتخب

نخستین گام در مسیر پیاده‌سازی روش تحلیل محتوا، استخراج گزاره‌های منتخب و مرتبط از میان مجموعه سخنرانی‌ها و مکتوبات منتشر شده از شهید حاج قاسم سلیمانی است. بدین منظور آثاری که به تجمیع بیانات شهید سلیمانی پرداخته‌اند، مورد مطالعه و فیش‌نویسی قرار گرفتند. این آثار که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته‌اند در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۱: آثار مرجع پژوهش

ردیف	نام کتاب	توضیحات کتاب‌شناختی
۱	از چیزی نمی‌ترسیدم	(سلیمانی، ۲۰۲۰)
۲	طبقه‌بندی موضوعی سخنرانی‌های منتشر شده از شهید سلیمانی	(مکتب سلیمانی، ۲۰۲۴)
۳	ذوالفقار؛ برش‌هایی از خاطرات شفاهی شهید حاج قاسم سلیمانی	(مزدآبادی، ۲۰۲۰)
۴	برادر قاسم	(مهروان‌فر، ۲۰۱۸)
۵	حاج قاسم: جستاری در خاطرات شهید حاج قاسم سلیمانی	(مزدآبادی، ۲۰۱۹)

مهم‌ترین این آثار، کتاب «طبقه‌بندی موضوعی سخنرانی‌های شهید حاج قاسم سلیمانی» است که در حدود ۱۰۰۰ صفحه توسط انتشارات مکتب حاج قاسم منتشر شده و یکی از جامع‌ترین آثار تجمیعی بیانات شهید سلیمانی تلقی می‌شود که تاکنون به انتشار عمومی رسیده است. پس از مطالعه و فیش‌نویسی‌های مرتبط و بازخوانی چندباره‌ی این فیش‌ها، تعداد ۴۳ گزاره منتخب که بیشترین ارتباط را با موضوع پژوهش داشتند، استخراج شده و این گزاره‌ها داده‌های موردنیاز جهت فرآیند تحلیلی را فراهم آوردند. نمونه‌ای از این گزاره‌ها در جدول (الف) نشان داده شده‌اند. لازم به ذکر است که به دلیل محدودیت ظرف مقاله، مجموع کامل این گزاره‌ها در متن اصلی آورده نشده است.

جدول ۲: نمونه‌هایی از متن داده‌های اولیه

جدول (الف): نمونه‌هایی از متن داده‌های اولیه (متن بیانات و فرمایشات شهید سلیمانی در موضوع پژوهش)	
ردیف	متن داده‌های اولیه
۱	آن روز خیلی توجه نداشتم بعداً فهمیدم در عشیره‌ی بزرگ ما، هیچ کس مثل مادر و پدرم مهمان‌نواز نیستند. همیشه در خانه ما مهمان بود، در حالی که من و چهار خواهر و برادر دیگرم که دو تای آن‌ها از من بزرگتر بودند، همیشه چشمان به جوال آرد بود مادرم خیلی دقت می‌کرد بعضی وقت‌ها داخل آرد گندم‌ها، آرد جو و کرو هم قاطی می‌کرد بعضی وقت‌ها هم که مهمان نداشتیم در هفته یکی، دو وعده نان ارزن می‌پخت. آن روزها نان جو و ارزن نان فقرا بود امروز بالعکس است، اگر پیدا بشود شاید نان ارزن و جو از نان گندم هم گران‌تر باشد. به هر صورت، به دلیل اعتقادی جدی که در خانه‌مان وجود داشت که «مهمان حبیب خداست» هرگز یادم نمی‌آید که اخی یا بی‌توجهی شده باشد. عمده‌ی مهمان‌ها غریبه بودند که در راه، به سمت روستاهای دیگر، ظهر به محل ایل ما می‌رسیدند و درخواست چای داشتند، چای با هل یا قلمقر مادرم که به ما اصلاً نمی‌داد، معرکه بود! بعد هم اگر نزدیک ظهر بود، ناهار یا شام می‌خوردند، بعضاً نان و ماست یا نان و گوره‌ماست یا تخم مرغ یا آبگرمو (متن برگرفته از کتاب از چیزی نمی‌ترسیدم).
۲	ما بودیم با مهمانان همشهری که روزانه مهمان سفره‌ی ساده‌ی ما می‌شدند که عموماً نان ماست یا تخم مرغ یا نان حلوا بود. بعضی وقت‌ها هم از سوغاتی‌های مادرمان که یا پسته بود یا مقداری قرمه و آجیل‌جات، از آنها پذیرایی می‌کردیم. در حیاط خانه‌ی اجاره‌ای ما خانواده‌ای با چندین فرزند که عموماً هم دختران کوچکی بودند، اتاق دیگری را اجاره داشت، بچه‌های کوچک آنها ظهرها شریک نان ماست ما بودند. ما هم سخاوتمندانه -البته احمد بیشتر از من- از سهم خودمان با همان کاسه‌ی ماست که نان داخل آن تریث شده بود، به دهان آنها می‌کردیم. بعضی وقت‌ها هم که خودمان سیر نمی‌شدیم لبان و صورت آنها را ماستی می‌کردیم! مادرشان می‌آمد و دعای خیر می‌کرد که بچه‌ی ما را غذا داده‌اید (متن برگرفته از کتاب از چیزی نمی‌ترسیدم).
۳	مهم‌ترین موضوعی که در شهدای ما وجود داشت و دلیل بی‌تابی و شهادتشان بود و امروز هم در استمرار همان راه این را می‌بینیم حُب به خدا بود. اصلاً اگر این [حُب به خدا] نباشد چه معنا دارد کسی این همه دلبستگی‌ها، همسر جوانش، بچه‌هایش، پدر و مادرش، مزرعه‌اش، خانه‌اش و دنیایش را رها کند و برود. چیزی غیر از این وجود دارد این تفاوت فکر اسلام ناب محمدی با اسلام اموی است. شما دیدید چه تلاشی در همین گروه‌های تکفیری وجود داشت چی در فکرشان بود که من هر چه زودتر کشته شوم زودتر بر مجلس پیغمبر حاضر می‌شوم و حوری‌ها در خدمت من هستند. این فکر بود، هست، حالا هم خواهد بود. اما در اسلام ناب اساس حُب، حُب خدا هست. چرا اصرار می‌کند همسرش، مادرش و فرزندش را واسطه قرار می‌دهد با اشک برود مجاهد همین هست (سخنرانی در بیت‌الزهرا- کرمان خرداد ۱۳۹۷).
۴	جهاد اکبر امام، یک جهاد اکبر نزدیک به امام معصوم بود. امام بابی را به این جهاد اکبر اضافه کرد و آن باب عشق و محبت است. این باب محب و محبت یک مدرسه شد و موجب شد در دفاع مقدس، شهدای ما از همه تعلقاتشان عبور کردند و به این جایگاه رفیع رسیدند. این نشأت گرفته از مدرسه امام بود، از جهاد اکبری که امام تأسیس کرد، از جهت جدیدی که امام داد و این جهاد اکبر جدید امام [و] این

	باب‌هایی که امام در این مرحله به آن اضافه کرد، جزء ضرورت‌های انقلاب ما بود و امام به آن جامه‌ی عمل پوشاند. خصوصیت انسان محب هم در این است که وقتی کسی یک حبی پیدا کرد به یک جایگاه ارزشمندی و او در جانش و وجودش جان گرفت، سر و جانش را فدای آن می‌کند. چرا این شهدای ما که زن‌های جوان خودشان را، مادران و پدران پیر خودشان را رها کردند و در این وادی پا گذاشتند، این فهم را پیدا کردند [و] به این مرحله از عرفان و معنویت و جهاد اکبر نائل شدند؟ [چون] امام این باب را پایه‌گذاری کرد، لذا هرگز [این مسئله را] مطرح نکرد [که] چون دشمن قوی است [پس] نمی‌توانیم، چون جنگ نابرابر است، ما نمی‌توانیم، چون ما را جایی راه نمی‌دهند [پس] نمی‌شود [یا] نمی‌توانیم... این انسان محب است. این [انسان] بن‌بست را می‌شکند (سخنرانی عمومی در مراسم راهپیمایی ۲۲ بهمن - کرمان، بهمن ۱۳۹۶).
۵	رفاقت‌های زمان جنگ چیزی عجیبی بود، یک نمونه خاطره از این رفاقت‌ها برای شما ذکر کنم. یک وقتی یک فرمانده گردان داشتیم به نام ماشاءالله رشیدی، او شب عملیات کربلای ۵ آمد وارد عملیات شود، آمد دم خط در سنگر من، یک قصه‌ای تعریف کرد چون گردان نرسیده بود با هم حرف می‌زدیم. یک فرمانده گروهان به نام زکی زاده داشت، زکی‌زاده دو شب پیش شهید شده بود، گفت ما با هم عهد بستیم هر کدام از ما زودتر شهید شد وارد بهشت نشود تا دیگری بیاید، گفت دیشب زکی‌زاده را در خواب دیدم به من گفت ماشاءالله من را دم در نگه داشتی چرا نمی‌آیی؟ وقتی این را گفت من فهمیدم شهید می‌شود، او را نگه داشتیم، گردان رفت و درگیر خط شد مجبور شدم او را بفرستم و بلافاصله شهید شد (سخنرانی عمومی در مراسم یادواره شهید لشکر ۲۷ محمد رسول الله - تهران، اسفند ۱۳۹۱).
۶	- جنگ ما افتخارش این است که رتبه‌ای نبود و هیچ‌گونه احساس توقعی از پاداش نداشتند ... آنوقت کلمه رایج، کلمه سردار، سرهنگ نبود، کلمه رایج کلمه برادر بود؛ برادر حسین، برادر احمد، برادر مهدی. یک وقتی در پایان جنگ کسی فکر نمی‌کرد حقوق فرمانده سپاه ۲۵۰۰ تومان است و حقوق رزمندگان عادی هم ۲۵۰۰ تومان است. این زیبایی‌ها جنگ ما را به این جاها رساند (سخنرانی عمومی در مراسم یادواره ۸۰۰۰ شهید استان گیلان - رشت، اردیبهشت ۱۳۹۵).
۷	- ما با احمد خیلی رفیق بودیم، من نمی‌دانم البته احمد من را بیشتر دوست داشت یا من بیشتر احمد را دوست داشتم، همیشه در ذهنم این بود که ای کاش می‌شد من یک طوری به احمد ثابت کنم که من چقدر دوستش دارم، فکر می‌کردم بهترین چیزی که می‌تواند این را ثابت کند مثلاً من یک کلیه بدهم به احمد، از هر چیزی که دو تا دارم یکیش را من به احمد بدهم. احمد وقتی در جمع ما بود تداعی همه‌ی زندگیمان را می‌کرد، هر چیزی که در زندگی بهش خوش بودیم، چهره‌ی باکری را، خرازی را، زین‌الدین را، همت را در احمد می‌دیدیم، خیلی از شهدا را ما در احمد خلاصه می‌دیدیم (مصاحبه درباره شهید احمد کاظمی - تهران، ۱۳۸۵).

شناسایی مضامین مرتبط

در مرحله شناسایی مضامین مرتبط پژوهش که مقدمه‌ای برای مرحله استخراج مفاهیم و مقولات تحقیق است، از رهگذر تحلیل و کدگذاری در چارچوب اقتضائات روش تحلیل محتوا، مجموعاً ۱۱۱ مضمون اولیه و از درون آن‌ها، مجموعاً ۲۵ مضمون نهایی به دست آمد، که در جدول (ب) گرد آمده‌اند.

جدول ۳: مضامین اولیه و نهایی پژوهش

جدول (ب): مضامین اولیه و نهایی پژوهش		
مضامین اولیه	مضامین نهایی	
۱ - رشد حاج قاسم در محیطی در کودکی که در آن، نوع دوستی، مهربانی با مهمان، از خود گذشتگی و مقدم داشتن دیگران بر خانواده و لطف نسبت به غریبه، از ویژگی های تعاملی و رفتاری خانواده شهید دانسته می شده است (۱/۱)	- زیست در بستر محبت ورزی به دیگران در دوران کودکی (ب/۱-۶)	۱
۲ - عشایر مظهر مهمان نوازی اند اما به عقیده شهید سلیمانی در همان عشیره ایشان نیز هیچ کس اندازه پدر و مادر ایشان مهمان نواز نبوده است (۲/۱)		۲
۳ - سفره خانواده شهید سلیمانی در دوران کودکی سفره ساده ای بوده است (۱/۲)		۳
۴ - سهیم شدن محتویات اگرچه ساده ی سفره با مهمانان توسط شهید سلیمانی در کودکی (۲/۲)		۴
۵ - گذاشتن لقمه در دهان کودکان همسایه با وجود گرسنه بودن خود در کودکی (۳/۲)		۵
۶ - سخاوت در قبال مهمان با وجود کمبود منابع و امکانات شخصی؛ از ویژگی های رفتاری شهید سلیمانی در کودکی (۴/۲)		۶
۷ - حب به خدا؛ دلیل بی تابی و شهادت طلبی شهدا (۱/۳)	- حب به خدا؛ مقصد غایی محبت که باعث جدایی از تعلقات می شود (ب/۷-۹)	۷
۸ - حب به خدا؛ معنابخش رها کردن تعلقات توسط شهدا (۲/۳)		۸
۹ - محوریت حب به خدا در تمام کارها؛ عامل تمایز بخش اسلام ناب از اسلام اموی (۳/۳)		۹
۱۰ - افزودن باب عشق و محبت به جهاد اکبر؛ جهت جدید امام به جهاد اکبر (جهاد اکبر تأسیسی امام) (۱/۴)	- محبت؛ محور جهاد اکبر تأسیسی امام (ره) که تعلق زداست (ب/۱۰-۱۷)	۱۰
۱۱ - باب عشق و محبت در جهاد اکبر؛ نشأت گرفته از مدرسه امام و از ضرورت های انقلاب (۲/۴)		۱۱
۱۲ - باب عشق و محبت در فرایند جهاد اکبر؛ عامل رها شدن شهدا از تعلقات (۳/۴)		۱۲
۱۳ - مقصد حب باید یک جایگاه ارزشمند باشد (۴/۴)		۱۳
۱۴ - عشق و محبت به یک جایگاه ارزشمند، مرحله ای از معنویت و جهاد اکبر است که بن بست ها در برابر آن معنایی ندارند (۵/۴)		۱۴
۱۵ - وادی عشق و محبت، وادی ای بود که امام (ره) در بحث جهاد اکبر، آن را بنا گذاشت (۱/۳۹)		۱۵
۱۶ - عشق و محبت، در جهاد اکبر، بالاتر از پایه تقوا و عدالت و اخلاق است (۲/۳۹)		۱۶

۱۷	- درس عشق و محبت را شهدا از امام (ره) گرفتند (۳/۳۹)	
۱۸	- مقام هجرت که شهدا به آن دست یافتند، مقام دست کشیدن از محبتِ دلبستگی‌ها برای محبت بالاتر است (۱/۴۰)	
۱۹	- دوستی دوستان خدا، به حدی که هیچ چیز بیشتر از او دوست داشته نشود و دشمنی دشمنان خدا، به حدی که هیچ چیز بیشتر از آن دشمن دانسته نشود، بالاترین ثمره ایمان است (۱/۵)	
۲۰	- دوست داشتن یکدیگر و وحدت قلب امر بسیار مهمی است (۲/۵)	- دوستی دوستان خدا و دشمنی دشمنان خدا در بالاترین حد؛ بالاترین ثمره ایمان و عامل کنده شدن از زمین (ب/۱۸-۲۶)
۲۱	- احساس تنفر از یک دوست [خدایی]، نشان‌دهنده ورود شیطان به وجود آدمی است (۳/۵)	
۲۲	- محبت و تعلق خاطر به افراد، هدف نیست، بلکه باید وسیله‌ای برای کردن از زمین باشد (۱/۶)	
۲۳	- رتبه و درجه و پست، نباید باعث زمین‌گیر شدن انسان شود (۲/۶)	
۲۴	- تعلق خاطر سنگین‌تر، باعث میشده که عواطف دیگر نتوانند شهدا را زمین‌گیر کنند (۱/۴۱)	
۲۵	- شهدا عاطفی‌ترین مردم هستند (۲/۴۱)	
۲۶	- تقدم و برتری دادن علقه‌های ناشی از دوستی در راه خدا بر علقه‌های پدر فرزندی؛ از ویژگی‌های شهید سلیمانی (۲/۲۴)	
۲۷	- قله‌های جاذب جنگ که باعث جذابیت جنگ و جذب و توقف افراد می‌شدند و اساس جنگ و پیروزی‌ها بودند، برخی شهدا [ی واصل و مخلص] بودند (۱/۷)	
۲۸	- برخی شهدا [ی واصل و مخلص]، منشأ نورانیت و تحول [در رزمندگان و در جنگ] بودند (۲/۷)	
۲۹	- برخی فرماندهان [مثل شهید خرازی]، در اخلاق و رفتار و مدیریت، مثل مرجع تقلید برای رزمندگان بودند (۱/۸)	- فرماندهان و برخی شهدای شاخص؛ مرجع تحول، روح‌بخشی، اثرگذاری و الگودهی به مجموعه‌های متأثر (ب/۲۷-۳۹)
۳۰	- تقلید و تبعیت از برخی فرماندهان [مثل شهید خرازی] سبب تحول و رشد افراد می‌شده است (۲/۸)	
۳۱	- فرماندهان، مسئولین قله اند که با خصلت‌های اخلاقی مثبت یا منفی‌شان [مثل خودخواهی یا دنیاخواهی] بر زیرمجموعه‌هایشان به همان میزان، اثر مثبت یا منفی می‌گذارند (۱/۹)	
۳۲	- روحیه زیرمجموعه از روحی متأثر است که فرمانده در آن‌ها می‌دمد، و برای این نکته ده‌ها نمونه می‌توان ذکر کرد (۲/۹)	
۳۳	- اگر فرمانده منشأ معنویت باشد، خالاهای دوره‌های بصیرت‌افزایی برطرف می‌شود (۳/۹)	

	۳۴	- در جنگ فرماندهان شهید قله بودند، که با برافراشته بودنشان، حجم بالایی از عرفان و تدین حقیقی را در جامعه شکل دادند و جامعه را دگرگون کردند (۱/۱۰)
	۳۵	- دین‌داری و امانت‌داری فرمانده بر جامعه زیرمجموعه‌شان اثر می‌گذارد (۲/۱۰)
	۳۶	- فرماندهی‌ها در جنگ، در ایجاد فضا و امواج فرهنگی نقش اساسی داشتند (۱/۱۱)
	۳۷	- فرماندهان جنگ در ایجاد تحول و دگرگونی در جنگ تأثیر اساسی و حتی مهم‌ترین تأثیر را داشتند (۳/۱۱)
	۳۸	- وجود حب شهادت در درون فرد، شرط اساسی برای ایفای نقش رزمنده یا فرمانده است (۱/۱۲)
	۳۹	- فرمانده باید شهامت، رشادت و ایثارش بیشتر از نیروهای زیردستش باشد (۲/۱۲)
- محوریت محبت، برادری و صمیمیت در جمع‌های دفاع مقدس (ب/۴۰-۴۲)	۴۰	- مشخصات جمع‌های دوران دفاع مقدس بر کلام امام علی(ع): «یتواصلون بالولایه و یتلاقون بالمحبه» استوار بود [ولایت الهی و محبت به یکدیگر، آن‌ها را به هم مربوط کرده بود] (۳/۱۰)
	۴۱	- حلقه اتصال جمع‌ها در دفاع مقدس، بر محور خدا و محبت بود، و نه حزب و جناح (۴/۱۰)
	۴۲	- در فضای جنگ، جایگاه برادری و صمیمیت، بالاتر از درجه و حکم مأموریت بود (۲/۱۱)
- رفتار فرمانده با متأثرینش باید [ضمن حفظ چارچوب‌ها] جاذب، محبت‌آمیز و غیرنمایشی [برآمده از درون] باشد (ب/۴۳-۵۳)	۴۳	- امام(ره) بارها برخی فرماندهان (مثل تیمسار ظهیرنژاد) را با رفتاری محبت‌آمیز، متحول، دگرگون، شعله‌ور و عاشق‌تر کرده بودند، به نحوی که فرد از خودبیگانه شده بود (۱/۱۳)
	۴۴	- گاهی محبت امام(ره) به یک فرمانده بزرگ (مثل تیمسار ظهیرنژاد)، موجب سازندگی و عاشق‌تر شدن یک ارتش می‌شد (۲/۱۳)
	۴۵	- عمق تقرب و محبت نسبت به فرمانده [امام راحل]، سبب می‌شود که فردی مثل عماد، فرزند امام خوانده شود (۱/۱۴)
	۴۶	- قدرت جذب شهید باقری، یکی از دلایل ماندگار شدن و نرفتن حاج قاسم در جنگ بوده است (۱/۴۲)
	۴۷	- مجذوب شهید باقری شدن حاج قاسم، باعث شده که شهید سلیمانی خود را مدیون شهید باقری بداند (۲/۴۲)
	۴۸	- یک رهبر و فرمانده باید به آراستگی ظاهری اهمیت دهد تا جاذبه ایجاد شود و از نفرت دیگران جلوگیری گردد (۱/۱۵)
	۴۹	- آراستگی ظاهر اثر تربیتی دارد و عامل جذب است (۲/۱۵)

	۵۰	- برادری (رفاقت) و برابری باید جو حاکم بر سپاه اسلام باشد (۱/۱۶)
	۵۱	- رفاقت در بین فرمانده و نیروها باید امری درونی و نه نمایشی باشد، به نحوی که فرمانده و نیروها در درون از این کار لذت ببرند (۲/۱۶)
	۵۲	- فرماندهی بر مبنای برادری و رفاقت، نشان دهنده بی‌عرضگی در مدیریت نیست (۳/۱۶)
	۵۳	- در کنار چارچوب نظامی، محیط کاری در تشکیلات نظامی باید بر مبنای دوستی و رفاقت باشد (۲/۱۹)
- تقوا؛ محوریت تشکیلات و تجمعات (ب/۵۴-۵۶)	۵۴	- در جنگ به جای عناوین و درجه‌ها، کلمه برادر رواج داشت (۲/۱۷)
	۵۵	- آن زیبایی‌هایی که جنگ را به جاهای بالا رساند، رتبه‌ای نبودن و توقع پاداش نداشتن در جنگ بود (۱/۱۷)
	۵۶	- در یک تشکیلات نظامی، میزان تقواست (۴/۱۸)
تبعیت خودخواسته؛ ثمره جریان محبت بین فرمانده و متأثرین (ب/۵۷-۵۸)	۵۷	- رفاقت و صمیمیت بین فرمانده و نیروها سبب می‌شود که نیروها از فرمانده بدون تمرد، تبعیت کنند (۱/۱۸)
	۵۸	- صمیمیت و رفاقت بین فرمانده و نیروها، خیلی بیشتر از تعلق فرمانده به احزاب و قبایل، عامل ایجاد تبعیت می‌شود (۲/۱۸)
- افزایش دفاع انگیزه‌مند از انقلاب؛ ثمره جریان محبت بین فرمانده و متأثرین (ب/۵۹)	۵۹	- دوستی و رفاقت بین فرمانده و نیروها، انگیزه دفاع از انقلاب را زیاده‌تر می‌کند (۱/۱۹)
	۶۰	- هنر در یک تشکیلات نظامی، ایجاد وحدت از طریق صمیمیت و رفاقت (و نه صرفاً بر مبنای درجه) است (۳/۱۸)
- ایجاد وحدت سازمانی و مدیریت گسست‌ها از طریق محبت؛ راهبرد مدیریت تشکیلاتی (ب/۶۰-۶۱)	۶۱	- در یک تشکیلات نظامی، دوستی و رفاقت، فاصله‌ها را کم می‌کند (۴/۱۹)
	۶۲	- یکی از چیزهایی که بین نیروهایی از ملیت‌های مختلف پیوند ایجاد می‌کند، محبت و در آغوش گرفتن یکدیگر است (۱/۲۲)
- تأکید بر محبت لسانی و عملی و همراهی در غم‌ها و شادی‌ها؛ راهبرد مدیریت تشکیلاتی (ب/۶۲-۶۹)	۶۳	- محبت، عامل جذب و اثرگذاری بر روی یکدیگر است (۲/۲۲)
	۶۴	- پایه مستحکم در یک سازمان نظامی، جذب و محبت طرفینی است (۳/۲۲)
	۶۵	- در تشکیلات نظامی، در محاورات، در برخوردها، در معاشرت‌ها، در صدا زدن‌ها، و در نحوه‌ی حرف زدن‌ها، بایستی دوستی و رفاقت مشهود باشد (۳/۱۹)
	۶۶	- صمیمی و پدرا نه بودن و مدیریت خشک اداری نداشتن؛ ویژگی فرماندهی حاج قاسم در ارتباط با مجموعه تحت امر خود (۱/۲۰)

	۶۷	- ایجاد دلبستگی بین فرمانده و نیروها به حدی که در زمان پایان مسئولیت، شعله‌ای سوزان و سخت وجود فرمانده و نیروها را در بر بگیرد و برای تسکین قلب‌های به هم پیوسته‌ی متأثر از جدایی فرمانده از نیروها، از خداوند استمداد کنند (۲/۲۰)
	۶۸	- زیستن درازمدت در کنار هم در شادی‌ها و غم‌ها، موجب اتصال عمیق فرمانده و نیروها می‌شود (۳/۲۰)
	۶۹	- یک تشکیلات نظامی باید به گونه‌ای باشد که حتی در زمان پیروزی به دلیل نیروهایی که از لشکر از دست رفته‌اند، بین نیروها غم جدایی بیفتد (لزوم انسجام تشکیلاتی و علقه عاطفی بین نیروها) (۱/۲۱)
- دلسوزی، هم‌افزایی طرفینی و استفاده بهینه از ظرفیت‌های دوستی برای انجام تکلیف و پیش‌بردن کار در مسیر خدمت به اسلام؛ راهبرد مدیریت تشکیلاتی (ب/۷۰-۷۲)	۷۰	- ملاک در پذیرش مسئولیت‌ها باید انجام تکلیف در راه عاقبت‌بخیری باشد (۴/۲۰)
	۷۱	- رفاقت در تشکیلات نظامی به معنای دلسوزی و دست در دست هم گذاشتن برای خدمت به اسلام و پیش‌بردن یک کار است (۴/۱۶)
	۷۲	- هم‌افزایی و استفاده بهینه از ظرفیت‌های دوستی و رفاقت، برای خدمت هر چه بیشتر به اسلام و جهاد؛ از ویژگی‌های شهید سلیمانی (۳/۲۴)
- تعلق خاطر عمیق و از عمق جان به دوستان شهیدایی نزدیک (ب/۷۳-۷۹)	۷۳	- رفاقت و محبت عمیق و از عمق جان به دوست در راه؛ از ویژگی‌های بارز شهید سلیمانی (۱/۲۳)
	۷۴	- تعریف شهید کاظمی به عنوان کسی که تداعی همه زندگی شهید سلیمانی و هر چیزی که در زندگی به آن دل خوش کرده، بوده است (۲/۲۳)
	۷۵	- علاقه شدید به دوستی [شهید کاظمی] که علاوه بر جایگاه خودش، شهید سلیمانی را [با خصوصیت‌های اخلاقی‌اش] به یاد برخی شهدای شاخص می‌انداخته است (۳/۲۳)
	۷۶	- تعلق خاطر فراوان شهید سلیمانی به حسین پورجعفری، به حدی که احساس میکرد که در نبودش [حسین] از نظر روحیه گم‌شده‌ای دارد (۴/۲۴)
	۷۷	- شهید سلیمانی زندگی محبت‌آمیز با مجاهدان و شهدا و استشمام عطر الهی آنان را نعمتی می‌داند که در وصیت نامه به خاطر آن، خدا را سپاس می‌گوید (۱/۲۵)
	۷۸	- ریختن طرح دوستی و داشتن دوستی عمیق با بهشتیان زمینی در دوره‌ای طولانی؛ توفیقی بزرگ برای شهید سلیمانی (۱/۳۰)
	۷۹	- از منظر شهید سلیمانی، با هم بودن به مدت طولانی می‌تواند ایجاد دلبستگی شدید کند (۲/۳۷)

۸۰	- تقید به ابراز لسانی محبت به دوستان نزدیک؛ از ویژگی‌های شهید سلیمانی (۴/۲۳) (۱/۲۴)	- تقید به ابراز لسانی محبت به دوستان نزدیک (ب/۸۰)
۸۱	- یادبود دائمی از رفقای شهید در ذهن و قلب و چشم شهید سلیمانی با اشک و آه (۱/۲۶)	- بی‌تابی همراه با اشک و یادبود دائمی نسبت به رفقای نزدیکی که شهید شده اند (ب/۸۱-۸۴)
۸۲	- احساس جاماندگی از کاروان شهدایی که پیوسته با اشک و آه در یاد شهید سلیمانی بوده‌اند (۲/۲۶)	
۸۳	- یادبود دائمی از رفقای شهیدی که عزیزان شهید سلیمانی بوده‌اند و ایشان عزادار ابدی آن‌هاست (۵/۲۴)	
۸۴	- معرفی دوستان شهیدی که شهید سلیمانی در مسیر جهاد از دست داده به‌عنوان افرادی که در نبودشان، شادی و آرامش از زندگی ایشان رخت بر بسته است (۶/۲۴)	
۸۵	- یادکرد شهید کاظمی از شهیدان خرازی، باکری و همت، در هر جلسه و سفری به مدت ۱۹ سال (۱/۴۳)	- وجود پیوندها و صمیمیت‌های عجیب بین برخی فرماندهان شهید که دوستان شهید سلیمانی نیز بوده‌اند (ب/۸۵-۸۷)
۸۶	- عمق دل‌تنگی شهید کاظمی برای شهیدان باکری و خرازی و همت، با گریه در نماز (۲/۴۳)	
۸۷	- وجود پیوندها و صمیمیت‌های عجیب بین برخی فرماندهان شهید، نظیر شهید کاظمی و شهید باکری (۱/۲۷)	
۸۸	- دیدن شهادت به‌مثابه پلی که باعث می‌شود که دو شهیدی که به یکدیگر محبت عمیق داشتند، تا ابد از یکدیگر جدا نشوند (با شنیدن مکالمه بین شهید باکری شهید کاظمی در لحظات قبل از شهادت شهید باکری) (۲/۲۷)	- علاقه زائدالوصف به دیدار دوستان شهید و ملحق شدن به آن‌ها به وسیله شهادت (ب/۸۸-۹۴)
۸۹	- حاضر بودن برای دادن همه عمر برای شنیدن صدای شهید کاظمی برای باری دیگر (۶/۲۳)	
۹۰	- فهم وصف بهشت زیبایی که در انتظار شهید است و در آن رفقای شهید حضور دارند و گرد هم اند؛ افزاینده شوق شهید سلیمانی به شهادت (۳/۲۷)	
۹۱	- اشتیاق به تنها نماندن و رفتن در کنار شهید کاظمی با شهادت (۵/۲۳)	
۹۲	- شهید شدن یکی از رفقای نزدیک در دوران جنگ تحمیلی و جهاد، انگیزاننده رفیق دیگر برای جهاد هر چه بیشتر تا نیل به شهادت بوده است (۱/۲۸)	
۹۳	- علاقه زائدالوصف شهید سلیمانی به دیدار دوستان صمیمی شهید و حضور در جمعشان (۱/۲۹)	
۹۴	- دیدن جمال دوستان شهید و ملحق شدن به آن‌ها؛ آرزوی شهید سلیمانی و عاقبتی که برای خود دنبال می‌کردند (۱/۳۱)	

۹۵	- دل خوش بودن شهید سلیمانی به برخورداری از شفاعت دوستان شهید (۳/۲۹)	- دل خوش بودن به شفاعت دوستان شهید (ب/۹۵)
۹۶	- توجه به لزوم باقی ماندن رابطه دوستی با دوستان شهید از طریق رشد و ارتقاء معنوی (۲/۳۰)	- توجه به زندگی شهادتی و رشد معنوی، به خاطر باقی ماندن رابطه دوستی با دوستان شهید در آن دنیا (ب/۹۶-۹۸)
۹۷	- زندگی شهادتی (شهید بودن)، لازمه شهیدشدن و الحاق و اتصال به دوستان شهید، در نظر ایشان (۲/۳۱)	
۹۸	- توجه به مراقبه و انجام اعمال صالح در این دنیا، برای شناخته شدن خود توسط دوستان شهید در آن دنیا [به عنوان یکی از دلایل] (۲/۲۹)	
۹۹	- مهم‌ترین نکته‌ای که [در اجتماع] باید وجود داشته باشد، محبت، صفا و صمیمیت است که باید آن را ترویج کنیم و توسعه دهیم (۱/۳۲)	- لزوم ایجاد همگرایی اجتماعی از طریق منطق‌ورزی محبت‌آمیز و جاذب و خودی‌انگاشتن مردم با نگاهی جامع‌نگر، برای اتصال مردم به انقلاب (ب/۹۹-۱۰۵)
۱۰۰	- شیوه عرضه منطق‌های دینی در جامعه می‌تواند با صحبت محبت‌آمیز باشد که مانع از ابهت‌شکنی در جامعه است (۱/۳۳)	
۱۰۱	- باید اتصال مردم به انقلاب را با نگاهی فراگیر و نه فقط نگاه به قشر مذهبی نزدیک خودمان، با چاشنی محبت، عمیق‌تر کرد (۲/۳۳)	
۱۰۲	- منطق‌ورزی محبت‌آمیز برای مردم، وظیفه ماست (۳/۳۳)	
۱۰۳	- معرفی و شناساندن اصول به مردم با زبانی نرم و محبت‌آمیز (۳/۳۶)	
۱۰۴	- مردم را نباید از اصول و ارزش‌های دینی ترساند و آن‌ها را به دین بدبین کرد (۱/۳۴)	
۱۰۵	- لزوم برقراری رابطه صمیمانه با مردم و خودی دانستن و توجه به آن‌ها، که موجب تقویت ارزش‌ها در جامعه می‌شود (۲/۳۴)	
۱۰۶	- تقید به ابراز لسانی محبت به مردم؛ از ویژگی‌های شهید سلیمانی (۱/۳۶) (۱/۳۷)	- توجه به ابراز محبت به مردم (ب/۱۰۶-۱۰۸)
۱۰۷	- خطاب قراردادن مخاطب با اوصاف و سابقه نیکویی که در او وجود دارد؛ از ویژگی‌های شهید سلیمانی (۲/۳۶)	
۱۰۸	- وجود فرهنگ از خودگذشتگی و ایثار برای ملت در خانواده شهید سلیمانی، با رضایت به فداشدن پدر خود برای ملت (۳/۳۷)	
۱۰۹	- برای حفظ یک سنگر فرهنگی باید محیط اثر آن را شناخت و صرفاً به گستره و قلمرو مشخص و محدود آن بسنده نکرد و تا نهایت عمق معنوی آن سنگر اثرگذاری کرد و حتی آن را افزایش داد.	- لزوم شناخت گستره و عمق معنوی یک سنگر فرهنگی و برنامه‌ریزی برای حفظ آن (ب/۱۰۹)

۱۱۰	- تلاش برای ایجاد همگرایی و متفرق نشدن افراد دخیل یا متأثر از یک سنگر فرهنگی یا نظامی، از طریق دیده‌بانی، ایجاد جاذبه و ارتباط‌گیری خوب، باعث موفقیت و حفظ آن محیط می‌شود (۱/۳۵)	- لزوم ایجاد همگرایی در عمق معنوی یک سنگر فرهنگی از طریق دیده‌بانی، ایجاد جاذبه و ارتباط‌گیری خوب (ب/۱۱۰)
۱۱۱	- تبدیل کشوری مانند عراق از وضعیت دشمن به دوست و رفع تهدیدها و کمک گرفتن از ظرفیت‌های آن‌ها برای تحقق استراتژی‌های دفاعی کشور، در پرتو دوستی ایجاد شده (۱/۳۸)	- تهدیدزدایی و فرصت‌آفرینی از طریق تبدیل دشمنی‌ها به دوستی‌ها (ب/۱۱۱)

شناسایی مفاهیم و مقولات پژوهش

در این مرحله، پس از شناسایی و استخراج مفاهیم پژوهش، مقولات تحقیق با توجه به شباهت‌های محتوایی موجود میان مفاهیم در قالب نظام معنایی پژوهش آماده شده‌اند. این مفاهیم و مقولات برآمده از تحلیل آن‌ها، در جدول (پ) پژوهش ارائه شده‌اند.

جدول ۴: مضامین، مفاهیم و مقولات پژوهش

جدول (پ): مضامین، مفاهیم و مقولات پژوهش			
	مضامین (مرتب‌شده)	مفاهیم	مقولات
۱	- زیست در بستر محبت‌ورزی به دیگران در دوران کودکی (ب/۱-۶)	شکل‌گیری پایه‌های شخصیت در محیط رشد آینده از محبت (عامل بیرونی)	محبت به‌مثابه عنصر انگیزاننده و محرک
۲	- حب به خدا؛ مقصد غایی محبت که باعث جدایی از تعلقات می‌شود (ب/۷-۹)	موتور درونی مولد محبت در ابعاد بینشی و گرایشی، منبعث از جهاد اکبر	
۳	- محبت؛ محور جهاد اکبر تأسیسی امام (ره) که تعلق‌زداست (ب/۱۰-۱۷)	و ایمان (عامل درونی)	
۴	- دوستی دوستان خدا و دشمنی دشمنان خدا در بالاترین حد؛ بالاترین ثمره ایمان و عامل کنده‌شدن از زمین (ب/۱۸-۲۶)		
۵	- تهدیدزدایی و فرصت‌آفرینی از طریق تبدیل دشمنی‌ها به دوستی‌ها (ب/۱۱۱)	تهدیدزدایی و فرصت‌آفرینی از رهگذر تبدیل دشمنی به دوستی	محبت طرفینی به‌مثابه عنصر مدیریت جمعی

۶ - تقوا؛ محوریت تشکیلات و تجمعات (ب/۵۴-۵۶)	ایجاد همگرایی میان نیروها و مدیریت شکاف‌ها در راستای پیشبرد اهداف و ادای تکلیف، از طریق بسط محبت طرفینی	۷ - ایجاد وحدت سازمانی و مدیریت گسست‌ها از طریق محبت؛ راهبرد مدیریت تشکیلاتی (ب/۶۰-۶۱)
		۸ - دلسوزی، هم‌افزایی طرفینی و استفاده بهینه از ظرفیت‌های دوستی برای انجام تکلیف و پیش‌بردن کار در مسیر خدمت به اسلام؛ راهبرد مدیریت تشکیلاتی (ب/۷۰-۷۲)
		۹ - محوریت محبت، برادری و صمیمیت در جمع‌های دفاع مقدس (ب/۴۰-۴۲)
		۱۰ - فرماندهان و برخی شهدای شاخص؛ مرجع تحول، روح‌بخشی، اثرگذاری و الگودهی به مجموعه‌های متأثر (ب/۳۷-۳۹)
	نقش تحول‌آفرین و اثرگذار فرماندهی مبتنی بر محبت و جاذبیت در رابطه میان فرمانده و متأثرین (نیروها)	۱۱ - رفتار فرمانده با متأثرینش باید [ضمن حفظ چارچوب‌ها] جاذب، محبت‌آمیز و غیرنمایشی [برآمده از درون] باشد (ب/۴۳-۵۳)
		۱۲ - تأکید بر محبت لسانی و عملی و همراهی در غم‌ها و شادی‌ها؛ راهبرد مدیریت تشکیلاتی (ب/۶۲-۶۹)
		۱۳ - تبعیت خودخواسته؛ ثمره جریان محبت بین فرمانده و متأثرین (ب/۵۷-۵۸)
		۱۴ - افزایش دفاع‌انگیزه‌مند از انقلاب؛ ثمره ثمره جریان محبت بین فرمانده و متأثرین (ب/۵۹)
		۱۵ - تعلق خاطر عمیق و از عمق جان به دوستان شهیدایی نزدیک (ب/۷۳-۷۹)
	تعلق خاطر عمیق به دوستان نزدیک پیش از شهادت دوستان	۱۶ - تقید به ابراز لسانی محبت به دوستان شهیدایی نزدیک (ب/۸۰)
		۱۷ - وجود پیوندها و صمیمیت‌های عجیب بین برخی فرماندهان شهید که دوستان شهید سلیمانی نیز بوده‌اند (ب/۸۵-۸۷)
		۱۸ - بی‌تابی همراه با اشک و یادبود دائمی نسبت به رفقای نزدیکی که شهید شده‌اند (ب/۸۱-۸۴)
		۱۹ - علاقه زائد‌الوصف به دیدار دوستان شهید و ملحق‌شدن به آن‌ها به وسیله شهادت (ب/۸۸-۹۴)
		۲۰ - دل‌خوش‌بودن به شفاعت دوستان شهید (ب/۹۵)
		۲۱ - دل‌خوش‌بودن به شفاعت دوستان شهید

محبت در قالب
دوستی‌های عمیق
به‌مثابه عنصر
ارتقاءدهنده معنوی
و اشتیاق‌دهنده به
فرجام

یادبود دائمی و
اشتیاق به
ملحق‌شدن به
دوستان شهید با
شهادت

دل‌خوش‌بودن به
شفاعت دوستان
شهید

۲۱	- توجه به زندگی شهادتی و رشد معنوی، به خاطر باقی ماندن رابطه دوستی با دوستان شهید در آن دنیا (ب/۹۶-۹۸)	توجه به زندگی شهادتی و رشد معنوی، به خاطر باقی ماندن رابطه دوستی با دوستان شهید در آن دنیا
۲۲	- لزوم ایجاد همگرایی اجتماعی از طریق منطق‌ورزی محبت‌آمیز و جاذب و خودی‌انگاشتن مردم با نگاهی جامع‌نگر، برای اتصال مردم به انقلاب (ب/۹۹-۱۰۵)	جامع‌نگری و منطق‌ورزی محبت‌آمیز
۲۳	- توجه به ابراز محبت به مردم (ب/۱۰۶-۱۰۸)	ابراز محبت به مردم
۲۴	- لزوم شناخت گستره و عمق معنوی یک سنگر فرهنگی و برنامه‌ریزی برای حفظ آن (ب/۱۰۹)	شناخت و برنامه‌ریزی برای حفظ و بسط عمق معنوی (یک سنگر)
۲۵	- لزوم ایجاد همگرایی در عمق معنوی یک سنگر فرهنگی از طریق دیده‌بانی، ایجاد جاذبه و ارتباط‌گیری خوب (ب/۱۱۰)	بهره‌گیری از محبت، ایجاد جاذبه و ارتباط مؤثر برای حفظ و بسط عمق معنوی (یک سنگر)

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عنصر «محبت» واجد جایگاهی طولی در نگاه شهید سلیمانی می‌باشد. در واقع، اگر «محبت» را به‌مثابه درخت مثمری در نظر بگیریم که ارزش ذاتی و کارکردی دارد، ریشه این درخت در وجود ایشان قوت یافته بود و سایر اجزاء این درخت، در فضای بیرون از وجود شهید سلیمانی سطح به سطح رشد کرده، بارور گردیده و منشأ اثرات عدیده‌ای شده بود. قوت عنصر «محبت» در درون وجود ایشان، بر دو پایه استوار بوده است: یکی شکل‌گیری پایه‌های شخصیت حاج قاسم در محیط رشد آکنده از محبت (عامل بیرونی) که ظرف وجودی ایشان را آماده بهره‌مندی و به منصف ظهور رساندن هر چه بیشتر تجلیات عنصر محبت می‌کرده است. از سوی دیگر، ایشان به‌عنوان فردی که پیوسته دغدغه رشد و تعالی را در نظر داشته، به «محبت» به چشم عنصری می‌نگریسته که بین میزان تجلی آن در رفتار او با سطح ایمان دینی‌اش ارتباط مستقیمی برقرار بوده و تقید به این عنصر می‌توانسته او را به مراتب بالای جهاد اکبر- که همیشه دغدغه‌اش را داشته- برساند. در واقع، حاج قاسم به «محبت» به عنوان راه رشد متعالی، قرب ایمانی و لذت درونی نظر داشته و «محبت» را عنصری محرک و انگیزاننده می‌دانسته که از

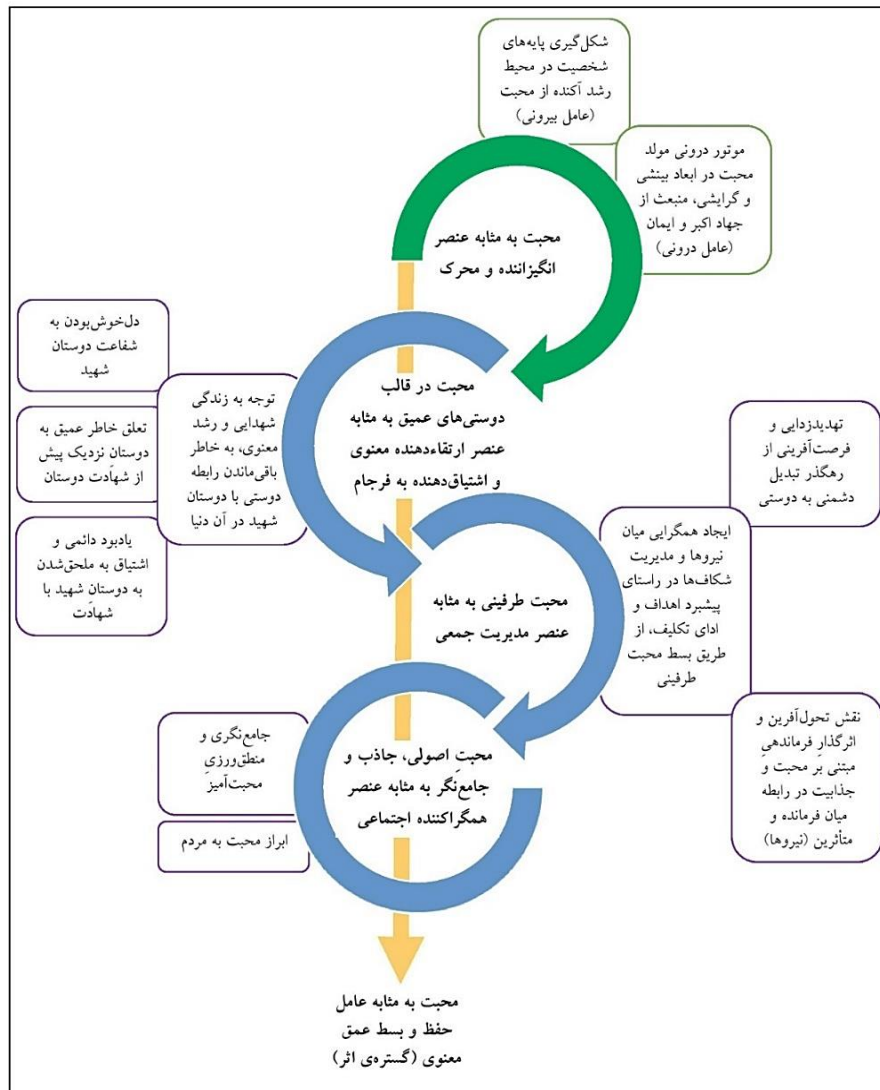
درون، نقش موتور مولدی را برای ایشان ایفا می‌کرده که به بینش، گرایش و کنش ایشان جهت می‌داده است. پس ما با فردی مواجهیم که هم از نظر قلبی و هم از نظر عقلی، برای «محبت» وزن غیرقابل وصفی قائل بوده است.

بازتاب نگاه بنیادین شهید سلیمانی به کاربست «محبت» در مسیر طولی خود که متتهایش قرب الهی بوده، در نخستین وهله بیرونی آن، در تعامل محبت‌آمیز حاج قاسم با حلقه نزدیکان و دوستان نزدیکش تجلی یافته و ایشان به این محبت به‌مثابه عنصر ارتقاءدهنده معنوی و اشتیاق‌دهنده به فرجام توجه داشت است. بررسی زندگانی شهید سلیمانی گواه این مدعاست که از همان سنین کودکی و نوجوانی که ایشان با پسرعمویش، شهید احمد سلیمانی، دوستی عمیقی داشت، تا لحظه شهادت، کمتر برهه‌ای را در دفتر زندگی ایشان می‌توان یافت که حاج قاسم خود را در گرو محبت عمیق دوست یا دوستان نزدیک شهیدایش نیافته باشد. این محبت پله‌پله گنجایش وجودی شهید سلیمانی را نسبت به عنصر محبت بیشتر و بیشتر می‌کرد تا آنجا که محبت به بندگان مظلوم خدا حتی در دورترین نقطه عالم، باعث می‌شد که ایشان ذره‌ای ظلم به آن‌ها را برنتابد. محبت عمیق به دوستان شهیدایی منحصر در دوستان و نزدیکان در قید حیات ایشان نمی‌شد، بلکه حاج قاسم پس از شهادت دوستان نزدیک و سربازان عزیزش، محبت آن‌ها را تا لحظه شهادت خویش با خود حفظ کرده بود و از دوری آن‌ها در تمام این سال‌ها ابراز بی‌تابی می‌کرد. او دل‌خوش به شفاعت دوستان شهیدش بود؛ به صورت دائمی از آن‌ها یاد می‌کرد و اشتیاق ملحق‌شدن به آن‌ها را داشت و حتی به زندگی شهیدایی و رشد معنوی خویش به خاطر باقی‌ماندن رابطه دوستی‌اش با دوستان شهید در آن دنیا، به‌عنوان یکی از دلایل، به شدت پایبند بود.

توجهات محبت‌محور منبعث از انگیزه‌های درونی، در عرصه مدیریت جمعی و تشکیلاتی حاج قاسم نیز ظهور و بروز قابل توجهی یافته بود. در واقع، هم سبک مدیریتی و تشکیلات‌داری ایشان و هم الگوی رشدی که شهید به آن قائل بود، هر دو ابتناء بر کاربست «محبت» داشت. در بحث الگوی رشدی، ایشان قائل به دوگانه طولی «دامنه-قله» به صورت سلسله‌مراتبی بود؛ به‌نحوی که قله یک سطح می‌توانست دامنه‌ای برای سطح بالاتر باشد که خود نیز متأثر از قله‌ای بالاتر بود، و همچنین معتقد بود که در هر سنگری، از نظامی گرفته تا فرهنگی، می‌بایست افراد خوش‌نفس و رشدیافته‌ای (متناسب با هر سطح) قرار داشته باشند به‌عنوان «قله»، تا زیرمجموعه‌های این افراد که «دامنه»‌های تشکیلات محسوب می‌شوند در تعاملی حبی به صورت دوسویه، از «قله»‌های خود الگو بگیرند و در فضای محبتی آن‌ها رشد یابند و ضمناً به ایفای نقش تشکیلاتی خود نیز بپردازند. خود این افراد هم که برای جمعی، «قله» به حساب می‌آیند، خود «دامنه» قله‌ای بالاتر دانسته می‌شوند. در تعبیر شهید سلیمانی، اگرچه مثلاً شهید باقری، قله‌ی بسیاری از افراد بود، اما خود در دامنه‌ی قله‌ای بالاتر به نام امام خمینی(ره) تعریف می‌شد. شهید سلیمانی، توفیقات انقلاب اسلامی در جنگ تحمیلی را در این چارچوب تحلیل می‌کرد و حتی خود نیز در بیانی، یکی از دلایل ماندگاری اولیه خود در جبهه را جذب محبتی شهید باقری بر می‌شمرد. این نگاه حتی در تحلیل‌های فرهنگی شهید سلیمانی نیز جریان داشت. ایشان مسجد را سنگری تلقی می‌کرد که امام جماعت رشدیافته در حد

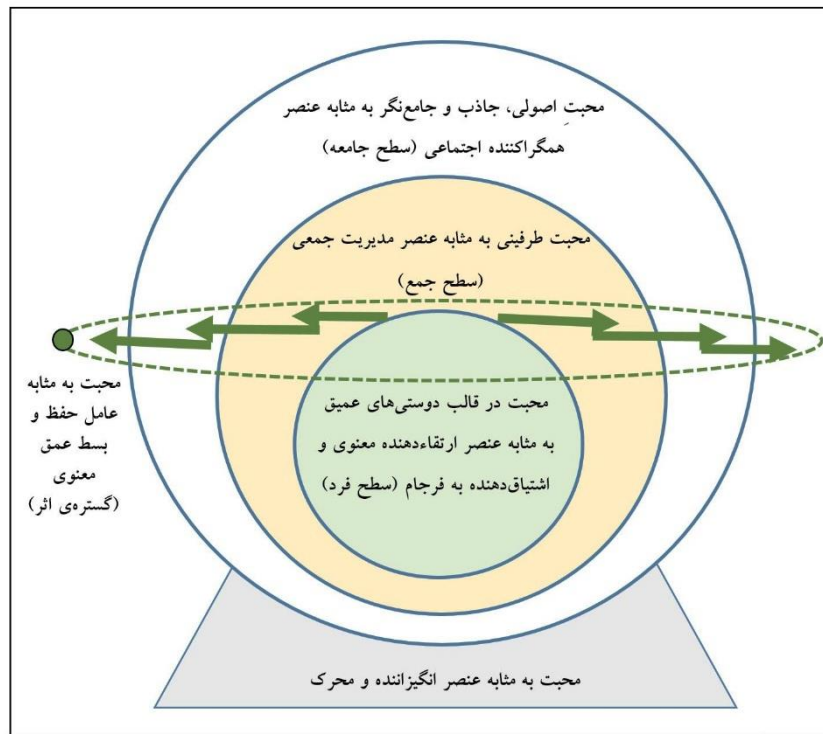
خود، می‌بایست «قله» آن باشد و در تعاملی محبت‌آمیز مخاطبان را ارتقاء دهد و از حریم سنگرش که گستره محله و منطقه است حراست فرهنگی نماید. پس شهید سلیمانی در این سطح، از محبت به‌عنوان عنصر مدیریت جمعی (من جمله در تشکیلات‌سازی‌اش در جبهه مقاومت) استفاده می‌کرد و در این عرصه به سه اصل در عمل تأکید داشت: «ایجاد همگرایی میان نیروها و مدیریت شکاف‌ها در راستای پیشبرد اهداف و ادای تکلیف، از طریق بسط محبت طرفینی»، «تهدیدزدایی و فرصت‌آفرینی از رهگذر تبدیل دشمنی به دوستی» و «نقش تحول‌آفرین و اثرگذار فرماندهی مبتنی بر محبت و جذابیت در رابطه میان فرمانده و متأثرین (نیروها)».

در سطحی بالاتر- که عملاً بازتاب کلان نگاه حُبّی شهید سلیمانی را تصویر می‌کند- محبت اصولی، جاذب و جامع‌نگر به‌مثابه عنصر همگراکننده اجتماعی قرار دارد و بالاترین و جامع‌ترین اثر این نگاه متعلق به این سطح است. در این لایه، تأکید شهید سلیمانی بر دو راهبرد اساسی است: «جامع‌نگری و منطق‌ورزی محبت‌آمیز» و «ابراز محبت مردم به طرق لسانی و عملی». در نهایت، این گام‌های چهارگانه مربوط به تجلی «محبت» در نظرگاه شهید سلیمانی، مجموعه کاربست این عنصر در سطح فردی و جمعی را شکل می‌دهد و خود منشأ اثرات بسیاری در رشد و اداره جمعی می‌تواند باشد. کما اینکه پیاده‌سازی این نگاه توسط شخص حاج قاسم و موفقیت چشمگیر این الگو در سطح نظری و کارکردی خود، شاهدی بر عملیاتی‌بودن این سبک از رشد و اداره است. در هر یک از این سطوح و لایه‌ها، «محبت» نقش عرضی نیز می‌تواند داشته باشد و به عنوان عاملی قلمداد می‌شود که این توان را دارد تا گستره اثر را افزایش دهد و عمق معنوی در آن سطح را حفظ نماید و بسط دهد. شکل زیر این گام‌های چهارگانه به همراه پیوست‌های مربوط به هر مرحله را نشان می‌دهد:



شکل ۳: گام‌های چهارگانه کاربرگه «محبت» و پیوست‌های هر گام

همچنین در شکل زیر توضیحات فوق در قالبی جامع و کلان ترسیم شده است:



شکل ۴: الگوی کاربست طولی محبت از منظر شهید سلیمانی

بر مبنای خروجی‌های این پژوهش، یکی از اصلی‌ترین وجوه ممیزه‌ای که شهید سلیمانی را به شهیدی مکتب‌دار و مکتب‌ساز بدل کرده است، بهره‌گیری اصولی ایشان از عنصر «محبت» در فرایند رشد و ارتقاء فردی و جمعی بوده است. ایشان در مسیر عشق به محبوب ازلی و ابدی، در یک نظام تعالی‌بخشی طولی، مقادیر شایانی از محبت را نثار افرادی می‌کرد که ایشان گمان می‌نمود که این محبت می‌تواند او را هرچه بیشتر به مقام قرب برساند و از آن سمت نیز محبت‌هایی که می‌ذول می‌داشت، او را هرچه بیشتر مستعد دریافت محبت الهی می‌کرد. از محبت دوستان شهدایی، فرماندهان شهدایی، و ولی فقیه گرفته تا محبت ذوات مقدس معصومین (ع)، و تا در نهایت، محبت ذات اقدس پروردگار.

پژوهش حاضر تلاش کرد تا نقش عنصر «محبت» را در نظام تعالی‌بخشی فردی و جمعی از منظر شهید سلیمانی بررسی کند و ضمن توجه‌دادن همگان و ویژگان بر اهمیت و کارکرد این عنصر راهگشا در عرصه فردی و اجتماعی، پژوهشگران، مربیان و سیاست‌گذاران را نسبت به امکان دخیل کردن و مذاقه نظری و عملی بیش از پیش به این عنصر در نظام تربیتی، سیاست‌گذاری و تشکیلات‌سازی کشور، توجه دهد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که عنصر «محبت» در منظومه فکری و عملی شهید سلیمانی نه صرفاً یک فضیلت اخلاقی، بلکه مولد یک نظام تعالی‌بخش در ساحت‌های فردی، تشکیلاتی و اجتماعی است. محبت در نگاه ایشان نیرویی مولد، عقلانی و الهی است که از درون فرد آغاز می‌شود و در قالب کنش‌های اجتماعی به شکوفایی می‌رسد. شهید سلیمانی با تکیه بر پیوند میان محبت، ایمان و رشد معنوی، توانست الگویی از انسان و جامعه بسازد که در آن هم‌افزایی عاطفه و معرفت، به انسجام، کارآمدی و تعالی منتهی می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که این عنصر، محور مدیریت محبت‌محور و همگرایی در تشکیلات بوده و ظرفیت بالایی برای تبدیل تهدیدها به فرصت و ایجاد پیوندهای پایدار انسانی دارد. در افق کلان، محبت در اندیشه شهید سلیمانی راهی برای تحقق جامعه‌ای مؤمن، همدل و پیش‌رونده است که در آن، قرب الهی هدف نهایی تمامی تعاملات انسانی و اجتماعی تلقی می‌گردد. این پژوهش بر ضرورت بازخوانی و نهادینه‌سازی این الگو در نظام تربیتی، فرهنگی و سیاست‌گذاری کشور تأکید دارد.

References

- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram (1414 AH). *Lisan al-‘Arab*. Beirut: Dar Sader. (In Arabic)
- Javadi Amoli, Abdollah (2008). *Tasnīm*. Research and compilation by Abdolkarim Abedini. Qom: Esra. (In Persian)
- Krippendorff, Klaus (1999). *Content Analysis: Foundations of Methodology*. Translated by Houshang Nayebi. Tehran: Ravash Publications. (In Persian)
- Maktab Haj Qasem (2024). *Thematic Classification of Speeches of Martyr Haj Qasem Soleimani*. Tehran: Maktab Haj Qasem. (In Persian)
- Mazdabadi, Ali Akbar (2019). *Zolfaghar; Selected Oral Memoirs of Martyr Haj Qasem Soleimani*. Qom: Ya Zahra Publications. (In Persian)
- Mazdabadi, Ali Akbar (2020). *Haj Qasem: An Essay on the Memoirs of Martyr Haj Qasem Soleimani*. Qom: Ya Zahra Publications. (In Persian)
- Mehrvanfar, Abuzar (2018). *Brother Qasem*. Qom: Mehr Amir al-Mo’menin Publications. (In Persian)
- Motahhari, Morteza (1990). *Attraction and Repulsion of Ali (AS)*. Tehran: Sadra. (In Persian)
- Naraqi, Mulla Ahmad (2008). *Mi‘raj al-Sa‘adah*. Qom: Ayin Danesh Publications. (In Persian)
- Ragheb Isfahani, Abolqasem (1996). *Mofradāt Alfāz-e Qur’āni*, Vol. 1, 2nd edition. Edited by Seyed Gholamreza Khosravi. (In Persian)
- Sarmad, Zohreh (2000). *Research Methods in Behavioral Sciences*. Tehran: Agah. (In Persian)

-
- Soleimani, Ghasem (2020). *I Was Not Afraid of Anything*. Tehran: Maktab Haj Ghasem. (In Persian)
 - Tabataba'i, Muhammad Hossein (1995). *Tafsir al-Mizan*. Translated by Seyed Mohammad Baqer Mousavi Hamadani. Qom: Islamic Publications Office. (In Persian)
 - Taheri, Abu al-Qasim (2001). *Research Methods in Political Science*. Tehran: Qoms. (In Persian)
 - Vajdani, Fatemeh (2018). "Examining the Relationship between Love for People and Social Ethics in Islam", *New Educational Thoughts Quarterly*, Vol. 14, No. 1, spring. (In Persian)